

# لاروشفو کو

## و اندیشه ها و سخنان نغز او

ترجمه : محمدرضا صالح پور

( آنچه در زیر میآید تکه‌هایی است از کتابی به همین نام که بزودی از سوی انتشارات معلم منتشر خواهد شد ؛ البته ، انشاءالله . واما لاروشفو کو فرانسوی است و در قرن هفدهم می‌زیسته و زندگی پرحادثه‌ای داشته است ؛ از سیاست گرفته تا جنگ و عشق و شوالیه‌گری همه را آزموده است . از این رو ، زندگی و آدمها را نیک می‌شناسد و سخن از روی تجارب شخصی و آگاهیهای دست اول میگوید . آوازه مستمر او به سبب همین کتاب کلمات قصار است که حاصل بیست سال زندگی پر ماجرا و پر شر و شور اوست . لاروشفو کو در طول اعصار شیفتگان و اردنمندان بسیار داشته است و از آن جمله نیچه ، مونتنی ، پاسکال ، وژید از او اثر پذیرفته و از وی به ستایش یاد کرده‌اند . باشد که پاره‌ای از سخنان او خوانندگان را موافق طبع افتد .

مترجم

- \* کسانی که غالباً به امور کوچک می‌پردازند معمولاً از انجام امور بزرگ ناتوان می‌شوند .
- \* فراز و نشیب های شگفت حالات ما حتی از فراز و نشیب های بخت نیز عجیب ترند .
- \* شادکامی به سلیقه است و نه به چیزها ؛ از داشتن آنچه موجب لذت و سرور ماست سرخوشیم و نه از آنچه دیگران موجب لذت و سرور می‌پندارند .
- \* هرگز به آن حد که می‌پنداریم بدبخت یا خوشبخت نیستیم .
- \* امتیازاتی که طبیعت ارزانی میدارد هر قدر هم که بزرگ باشد به تنهایی برای ظهور قهرمانان کافی نیست ؛ برای این کار طبیعت به دستگیری بخت نیاز دارد .
- \* صمیمیت ، گشاده دلی است . آن را در عده معدودی میتوان یافت و آنچه معمولاً دیده میشود تقلید زیر کانه‌ئی است که به منظور نیروی کشیدن اسرار خصوصی دیگران طرح‌ریزی شده است .
- \* در دنیا ، حقیقت چندان موجب خیر نیست که شبه حقیقت موجب پلیدی است .
- \* آنجا که عشق هست هیچ کموتی نمیتواند لذت‌دهنده‌ئی آن را پنهان بدارد و آنجا که نیست ، هیچ کموتی نمیتواند تقلید آن را عرضه کند .
- \* میتوان زنانی یافت که هرگز ماجرای عاشقانه نداشته‌اند ، اما کمتر زنی پیدا میشود که تنها یک ماجرای عاشقانه داشته باشد .
- \* تنها یک نوع عشق وجود دارد ، اما کپیهای آن سه هزار می‌زند ؛ و همه متفاوت .
- \* اگر از خودت نامطمئن هستی ، سکوت بی‌خطرترین خط مشی است .
- \* اگر مردم از همدیگر خوششان نیآید ، زندگی اجتماعی دوام چندانی نمیداشت .
- \* آدمی را که به ارجمندی خود اعتقاد راسخ دارد از این توهم در آوردن بهمان اندازه بروی ستم روا داشتن است که بر آن دیوانه آئنی روا داشتند که می‌پنداشت همه کشتی‌هایی که وارد بندر میشوند با او تعلق دارند .
- \* پیران خوش دارند دیگران را به خیر و صلاح اندرز دهند ؛ این مایه تسلی ایشان است که دیگر قادر نیستند برای دیگران سرمشق بدی باشند .
- \* همه از دل خود به نیکی و خشودوی یاد می‌کنند ، اما کسی جرات نمیکند در مورد ذهن خود همین نظر را بیان دارد .
- \* سر همیشه از دل گول می‌خورد .
- \* در هیچ چیز به اندازه اندرز دادن گشاده دست نیستیم .
- \* انسان هر قدر بیشتر معشوقه‌ئی را دوست بدارد بهمان اندازه به منتفر شدن از او نزدیکتر است .
- \* البته ازدواجهای خوب وجود دارد ، اما ازدواجهای روح افزا ، خیل .
- \* نمی‌توانیم از اینکه دشمنانمان ما را فریب دهند و دوستانمان بهما خیانت ورزند درگذریم ؛ با اینهمه ، غالباً رضا میدهیم که خود نسبت به خودمان چنین روا داریم .
- \* فریب دادن خودمان به نحوی که خود متوجه نشویم بهمان اندازه آسان است که فریب دادن دیگران بی آنکه متوجه شویم ، دشوار .
- \* به اینکه ( چهره حقیقی ) خود را از دیگران پنهان بداریم .
- \* آنجان عادت کرده‌ایم که عاقبت خودمان را نیز از خویشان پنهان بداریم .
- \* هنگامی که در برابر امیال و شهوات خود ایستادگی میکنیم این بیشتر به سبب ضعف آنهاست تا نیرومندی ما .
- \* اگر هرگز به خویشان تعلق نمی‌گفتیم براستی که لذات ما بسیار اندک میبود .
- \* بی‌خبر بزرگان اگر هرگز از عشق چیزی نشنیده بودند ، هیچگاه عاشق نمیشدند .
- \* میان روی و اعتدال مردم شادکام حاصل آرامشی است که نیکبختی به خلق و خوی ایشان می‌بخشد .
- \* فلسفه به آسانی بر مشکلات گذشته و آینده پیروز میشود اما مشکلات حال ، بر فلسفه پیروزند .
- \* کمتر کسی با مرگ آشناست ؛ معمولاً بنا به میل و اراده خود متحمل آن نمی‌شویم ، بلکه بدون فکر و بنا به عادت ؛ و بیشتر مردم می‌پندارند چون مرگ را چاره نیست .
- \* برای تحمل نیکبختی به فضیلت های بیشتری نیاز است تا برای تحمل بدبختی .
- \* توانایی ما بیش از نیروی اراده ماست و هنگامی که تصور می‌کنیم امور ، غیر ممکن هستند ، داریم برای خودمان عذر تراشی می‌کنیم .
- \* اگر خود عیبی نداشتیم از دیدن عیب در دیگران اینهمه لذت نمی‌بردیم .
- \* همانطور که نشانه مغزهای بزرگ بیان مطالب بسیار با کلمات اندک است ، بهمان گونه ، به عکس ، مغزهای کوچک دارای این قریحه‌اند که زیاد حرف بزنند و چیزی نگویند .
- \* کم‌است شمار کسانی چندان عاقل که خرده‌گیری سودمند را به آن گونه ستایش که موجب زبان‌شان است ترجیح دهند .

## آزادی بردگان انرژی (بقیه)

کاغذی (حق برداشت مخصوص) که نوعی اعتبار در دفاتر صندوق بین‌المللی پول می‌باشد دیگر مساله غامضی نیست، مساله غامض نقل و انتقال میلیاردها پول نقدی است که با یک شایعه کوچک ازین مرز بآن مرز بحرکت می‌آید و با ورود و خروج خود بزرگترین مشکلات را پدید می‌آورد و این سیستم که باید آنرا سیستم « پایه متاع » (Etalon-Marchandise) نامید ازین نقل و انتقالات مخرب جلوگیری خواهد نمود - در یک کلام پول فقط نقش اصلی و اولی خود که وسیله تسهیل معاملات است خواهد داشت و سایر نقشهای فرعی که سفته‌بازان برای سودجویی ابداع کرده‌اند از آن گرفته خواهد شد - بحث درباره نظرات این چهار اقتصاددان متفکر، بخصوص درباره سیستم جدید پولی پایه متاع را بآینده موکول مینمائیم، اما در مجموع دو موضوع جلب نظر میکند:

- ۱ - احتراز از رشد سریع و کوشی در برقراری اقتصاد برنامه‌ای که نتیجه آن زندگی ساده و توأم با فعالیت افراد است.
- ۲ - اجتناب از تک روی و ارائه طرحهای جهانی -

علاوه بر این چهار اقتصاددان متفکر اغاب صاحب‌ظنرانی که پس از بحران اخیر بآینده اندیشیده‌اند همه تقریباً دول را از رشد سریع بر حذر داشته‌اند و زندگی ساده‌ایکه نتیجه آنست در حد یک ضرورت توصیه نموده‌اند چون بتجربه ثابت شده که فراوانی و رشد بی‌حساب همیشه با بحران و توقف همراه است - شعر مشهور سعدی مثل اینکه در این باره هم صادق است: اسپ تازی دو تک رود بشاب - شر آهسته می‌رود شب و روز - این زندگی ساده که ضرورت آن بر حسب محاسبات علمی مؤسسه (M-i-T) و آینه نگری اقتصاددانان و متفکران جهان اعلام شده، همان زندگیست که توصیه آن در قالب دل‌انگیزترین کلمات و عمیقترین معانی طی قرون از جانب عرفان و اندیشمندان ما و سایر متفکران جهان شده است. ما سیستم سرمایه‌داری دو قرن است که با سرسختی می‌کوشد با خلق فلسفه جدید - قانون جدید - فرهنگ جدید و بالاخره انسان جدید آنرا نفی کند و امروز در کمال

شرمساری بتصدیق مراکز علمی خود و آینه نگری دانشمندان خویش بشکست خود اعتراف میکند و نه فقط آنرا نفی نمی‌نماید بلکه ضرورت آنرا تصدیق مینماید - تقسیم کار بین‌المللی با این کمبود انرژی ضرورتی است که آینه آنرا اثبات خواهد کرد - و نیاز متقابل که نتیجه این تقسیم کار است پدیدآور فرهنگی است که جان انسانها را بیکدیگر متصل خواهد کرد - من شخصا بآینده خوش‌بین هستم و بحران انرژی با همه گرانی و دردسرهای که پدید آورده نوید زندگی ساده و آرامی را میدهد و دنیا بزودی بقول مندرس فرانس تعادل خود را باز خواهد یافت و این تعادل بالاجبار ممالک دنیای سوم را نیز در بر میگیرد و مشکل بنظر می‌رسد با آگاهی و وقوفی که این ممالک از حوادث گرفته‌اند دورجهتمی عقبماندگی همچنان بسته بماند - استحاله‌ای که دنیای سرمایه‌داری برای بقای خود از بحران انرژی پدید آورده بسیاری از خشونت‌های آن را تعدیل خواهد کرد این تعدیل اجباری است و ضامن بقای سرمایه‌داری خواهد بود -

\* - نقل تمام مقاله بدون تحریف جملات و تغییر عنوان برای تمام مطبوعات آزاد است -

## لاروشفو کو (بقیه)

- \* برخی کسان برغم ارجمند بودن نامطبوعند؛ دیگران، برعکس عیب‌هاشان، خوشایندند.
- \* افتخارات مردان بزرگ را همیشه می‌یابد با توجه به وسایلی که برای کسب آن بکار برده‌اند سنجید.
- \* تعلق سکنه قباوی است که تنها خودپسندی ما رایجش ساخته‌است.
- \* دنیا غالباً به نشانه‌های ظاهری، شایستگی ارج می‌گذارد تا به خود شایستگی.
- \* شرارت، درست مانند نیکی، برای خود قهرمانانی دارد.
- \* وقتی زشتکاریها ترکمان می‌گویند باد به غیب می‌افکنیم که ما آنها را ترک گفته‌ایم.
- \* عفت و سنجیدگی زنان غالباً عشق به نیکامی و یک زندگی آرام است.
- \* نظر هر مردی است که رذیلت به فضیلت می‌پردازد.
- \* هیچکس شایسته آن نیست که به خاطر خوب بودن مورد ستایش قرار گیرد مگر آنکه توانایی بد بودن را داشته باشد چه هرگونه خوبی دیگر.
- \* در هر رشته زندگی، هرکس شخصیتی بر خود می‌بندد و ظاهری از برای خویش اختیار میکند تا همان به نظر آید که مایل است فکر کنند هست. در واقع می‌توان گفت که جامعه سراسر از شخصیت‌های مستعار و عاریتی تشکیل یافته است.
- \* کمتر کسانی به آن حد از نیروی تمیز بهره‌ورند که همه شرارتها را که مرتکب میشوند باز شناسند.
- \* جوانی یک سرمستی طولانی است: عقل است در ابتلای تب.
- \* ما همیشه از کسانی که ما را می‌ستایند خوشمان می‌آید، ولی همیشه از کسانی که ما آنان را می‌ستاییم.
- \* هرگونه چیز خوبی که درباره خودمان به ما بگویند، چیز تازه‌ای نیاموخته‌ایم.
- \* غالباً کسانی را که موجب ملال ما میشوند می‌بخشاییم اما آنها را که ملال آورمان می‌بند نمی‌توانیم ببخشیم.
- \* نفع شخصی که همه اعمال شرارت‌بار ما را ناشی از آن میدانند غالباً می‌یابد به عنوان انگیزه اعمال نیک ما مورد تقدیر قرار گیرد.
- \* اعتدال را یک فضیلت اعلام کرده‌اند تا بدینوسیله به جاهلین طابع بزرگ لگام زده شود و طابع کوچکتر از بابت شوربخشی و بی‌لیاقت خود تسلی یابند.

## تورینواسپرت



برای آقایان و جوانان  
در تمام فروشگاه‌های کفش پستی

کفش پستی

در خدمت خدمت ایران

